

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL  
پروپوزال

مركز آموزش  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



مركز آموزش  
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

کارگاه آنلاین  
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



مركز آموزش  
آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

## بررسی کارکرد سیاسی تناص قرآنی در شعر معاصر عراق

علی نظری

دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان

نعمت عزیزی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان

خلیلی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه ایلام

### چکیده

قرآن کریم، توانسته است علاوه بر بلاغت، با معانی ژرف خود، گنجینه‌ای گرانبها فرو روی ادیبان در هر دوره‌ای بگشاید و شاعران با توجه به نبوغ خود و به فراخور مقاصد مورد نظرشان، از آن استفاده کنند. کشور عراق در قرن گذشته و حاضر دوره‌ی پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. استعمار، استبداد، جنگ، آوارگی و اشغال اخیر آن از سوی آمریکا (۲۰۰۳) را می‌توان از بارزترین تحولات سیاسی این کشور در دوره‌ی معاصر برشمرد. شعرای عراقی در اوضاع پیش آمده، کارکردهای مختلفی به تناص قرآنی در شعرشان بخشیده‌اند و میان قرآن کریم و اوضاع پیچیده‌ی معاصر پیوند برقرار نموده‌اند. شاعرانی همچون معروف رصافی، عبدالوهاب بیاتی و جمیل صدقی زهاوی استعمار انگلیس را برنمی‌تابند و آیات قرآن را در راستای مبارزه با این بیگانگان استعمارگر به کار برده‌اند. در قرن حاضر نیز یحیی سماوی حضور نظامیان آمریکایی در عراق را نمی‌پذیرد و با استمداد از موروث دینی، سعی در بیداری مردم و مبارزه با آمریکایی‌ها دارد. احمد مطر و مظفر نواب نیز آمریکا را مظهر کفر معرفی می‌کنند. اکثر شاعران در قرن گذشته و حاضر، با زبانی گزنده و تند به انتقاد از حکام خائن عرب و ارباب آن‌ها آمریکای جنایتکار پرداخته‌اند. مقاله‌ی حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی، کارکرد سیاسی تناص قرآنی را در شعر معاصر عراق مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، تناص، شعر معاصر عراق، کارکرد سیاسی، استعمار، اشغال.

## ۱. مقدمه

هنر و جامعه، از دیرباز در تعامل بوده‌اند و رابطه‌ای دو سویه داشته‌اند. شعر نیز همچون سایر شاخه‌های هنر، از این قاعده مستثنی نیست و همانگونه که آیینی تمام‌نمای روزگار شاعر و شرح وقایعی است که شاعر و ملتش پشت سر گذاشته‌اند، گاهی به افکار عمومی جامعه سمت و سو می‌دهد. از یک سو گفته می‌شود که ادبیات زاینده‌ی محیط است و از سوی دیگر می‌توان ادیبان به ویژه شاعران را پیامبران و راهنمایان ملت خویش دانست.

یکی از ویژگی‌های بارز و برجسته‌ی شعر معاصر عربی، درگیر شدن با موضوعات و واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای عربی و اسلامی است. (نظری و عزیزی، ۱۳۹۲: ۱۱۲) کشور عراق، دارای شاعرانی است که توانسته‌اند سهم بزرگی از کتاب بزرگ تاریخ ادبیات عرب را به خود اختصاص دهند. این امر شاید به تحولات سیاسی این کشور در طول تاریخ بازگردد؛ تحولاتی همچون دار الخلافه بودن عراق از همان دوران امامت حضرت علی (ع) تا حکومت عباسیان و حمله‌ی مغول‌ها در سال ۶۵۶ هجری قمری. این تحولات سیاسی توانسته است زمینه را برای رشد و اعتلای ادبیات در عراق فراهم سازد. در دوره‌ی معاصر نیز این کشور دارای تحولات سیاسی گوناگونی بوده است که شاعران در برابر این تحولات سکوت ننموده‌اند و با استفاده از اسلوب‌های مختلف، دیدگاه‌های خود را در برابر این تحولات سیاسی بیان نموده‌اند.

تناص دینی یا حضور متن قرآنی در شعر را می‌توان یکی از مهمترین این اسلوب‌ها به شمار آورد که شاعر معاصر عراقی سعی دارد تا با شرکت دادن لفظ یا مضمون قرآن در شعر خود، دیدگاه خود را بیان نماید. به عبارت دیگر تناص قرآنی بهانه‌ای است تا شاعر برای تثبیت نظرات خود در میان افکار عمومی جامعه، نسبت به اوضاع سیاسی موضع گیری نماید و به این طریق با حفظ قداست قرآن کریم، بعد از گذشت چهارده قرن از زمان نزول آن، به آیاتش کارکردهای سیاسی ببخشد. اما یک سوال اساسی مطرح است که شاعران معاصر عراقی، آیات قرآن را در راستای بیان چه مضامین سیاسی به کار برده‌اند؟ مفروض است که استعمار انگلستان در عراق و اشغال اخیر این کشور از سوی آمریکا، به همراه ظلم و ستم دیکتاتور سابق، صدام حسین تکریتی و همچنین کودتاهای

مختلف در عراق و ضعف این سیاستمداران، مهمترین موضوعاتی باشند که شاعران معاصر با استفاده از آیات قرآن در قبال آن‌ها، موضع خود را مشخص نموده‌اند.

در زمینه‌ی تناص قرآنی تاکنون پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. مقاله علمی-پژوهشی «بینامتنیت اشعار عبدالوهاب بیاتی با قرآن کریم» نوشته‌ی طیبه سیفی، و «التناص القرآنی فی شعر یحیی السماوی» از عباس طالبزاده شوشتری و همکاران، همچنین مقاله‌ی «روابط بینامتنیت قرآن با اشعار احمد مطر» به قلم فرامرز میرزایی و همکاران را می‌توان مهمترین مقالات نوشته شده در این حوزه برشمرد که مقاله‌ی حاضر از نظرات این پژوهشگران نیز بهره برده است. اما تاکنون پژوهشی درباره‌ی کارکرد سیاسی تناص قرآنی در اشعار شاعران عراق نوشته نشده است و مقالات فوق، تنها به کشف آیات قرآن در شعر شاعران پرداخته‌اند و به شکلی محتوایی به این مقوله نپرداخته‌اند لذا مقاله‌ی حاضر از این جنبه حائز اهمیت است که در نوع خود جدید بوده و کارکرد سیاسی آیات قرآن را در شعر شاعرانی همچون عبد الوهاب بیاتی، مظفر نواب، احمد مطر، یحیی سماوی و ... مورد بررسی قرار خواهد داد.

لازم به ذکر است که اشعار سیاسی شاعران دارای اشاراتی تاریخی-سیاسی است که گاهی داری ابهام است لذا قبل از پرداختن به بحث اصلی، به طور مختصر تحولات سیاسی عراق را در دوره‌ی معاصر مرور خواهیم نمود.

## ۲. تحولات سیاسی عراق در دوره‌ی معاصر

پس از جنگ جهانی اول و شکست دولت عثمانی از انگلستان و متفقان آن، دودمان عثمانی برافتاد و دولت جمهوری ترکیه به جای آن اداره امور کشور را به دست گرفت ولی کشورهای فاتح، به ویژه انگلستان و فرانسه بخش بزرگی از متصرفات عثمانی را زیر استیلای خود قرار دادند. (کریمی، ۱۳۸۸: ۷۱) دولت انگلستان برای تأمین منابع گوناگون خود در منطقه خلیج فارس در ۱۰ اوت ۱۹۲۰ کشور را به نام عراق را به وجود آورد. با گذشت سه سال از شروع جنگ جهانی اول، انگلستان با بهره گیری از ضعف عثمانی و متحدانش، تا بغداد و کرکوک پیشروی کرد. این واقعه سرآغازی برای شکل گیری جنبش‌های اسلامی ضد استعماری در تاریخ معاصر عراق شد. انگلیسی‌ها در

طول اشغال عراق، علیرغم وعده‌هایی که برای استقلال به مردم این سرزمین می دادند، سیاست‌هایی را در پیش گرفتند که باعث نارضایتی شدید مردم عراق شد. این مسأله به همراه فعالیت‌های ضد انگلیسی آیت الله محمد تقی شیرازی و علمای دیگری که اکثراً ایرانی بودند، باعث شکل‌گیری قیام بزرگ و مردمی در سال 1920 م در عراق شد که در طول پنج ماه، بیشتر مناطق این کشور را فرا گرفت. این قیام در تاریخ معاصر عراق به «ثورة العشرين» شهرت یافت. این قیام به دلایل مختلفی شکست خورد اما اهمیت این قیام تا آنجاست که در نهایت، استقلال عراق را در سال 1932 م موجب شد. (همان)

در ۱۴ ژوئیه سال ۱۹۵۸ ژنرال عبدالکریم قاسم با کمک سرهنگ عبدالسلام عارف و نیروهایی که در اختیار داشت در عراق کودتا کرد و ملک فیصل دوم را به قتل رسانید و نظام جمهوری را در عراق اعلام نمود. (پارسا دوست، ۱۳۸۵: ۱۳۴) در سال ۱۹۶۳ کودتای دیگری در عراق شکل گرفت که به سرنگونی عبدالکریم قاسم و به قدرت رسیدن سرهنگ عبدالسلام عارف انجامید دولت تازه‌ای در عراق زمام امور را در دست گرفت و عبدالکریم قاسم در محوطه ساختمان رادیو عراق به دست کودتاچیان به قتل رسید (همان). سه سال بعد یعنی در سال ۱۹۶۶ پس از قتل عارف در سقوط هلیکوپتر، برادر بزرگتر او ژنرال عبدالرحمان محمد عارف، پست ریاست جمهوری را به جای او اشغال کرد (علوی، ۱۳۹۳: ۶۲). در سال ۱۹۶۸ احمد حسن البکر، از طریق حزب بعث، به رهبری میشل عفلق، حکومت عراق را به دست گرفت (همان). سال ۱۹۷۴ با استعفای احمد حسن البکر، صدام حسین رئیس‌جمهور عراق شد و در سال ۱۹۷۵ قرارداد الجزایر بین ایران و عراق برای مرزهای آبی و خاکی بسته شد که صدام حسین در سال ۱۹۸۰ این پیمان را پاره کرد و در ۱۹۸۱ به گمان فتح سه روزه، به ایران حمله کرد و جنگی ۸ ساله را بر این کشور تحمیل نمود. (همان) صدام حسین در سال ۱۹۹۱ با ادعای اینکه کویت جزئی از خاک عراق است به این کشور حمله کرد. (همان: ۶۳) این توسعه طلبی و جنگ افروزی وی باعث شد تا شدیدترین تحریم‌ها از سوی سازمان ملل و جامعه جهانی علیه این کشور اعمال شود.

سیاست‌های غلط و توسعه‌طلبانه‌ی صدام حسین و حزب بعث سه جنگ ویرانگر را به بار آورد و خسارات فراوانی را به مردم عراق و کشورهای ایران و کویت تحمیل نمود )

احدی و شوری، ۱۳۸۶). مردم این کشور از وجود این حاکم دیکتاتور به ستوه آمده بودند و وجود تحریم‌های جهانی، اوضاع اقتصادی را بغرنج کرده بود. فقدان آزادی و نادیده گرفته شدن حقوق بشر نیز از دیگر اوضاع نابسامان عراق در زمان حکومت صدام حسین بود.

آمریکا، بعد از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، عراق را به هم دستی با القاعده متهم نمود و به دنبال آن فعالیت‌های زیادی در جهت اقناع جامعه‌ی بین الملل و افکار عمومی برای توجیه حمله به عراق صورت گرفت و در مقابل با واکنش‌های متفاوت رژیم بعث مواجه شد. سرانجام در ۲۰ مارس ۲۰۰۳، ساعت ۰۲:۳۰ به وقت گرینویچ، یعنی ۹۰ دقیقه بعد از اتمام ضرب الاجل بوش به صدام حسین مبنی بر ترک عراق، موشک‌هایی بغداد را کوبیدند. این جنگ به نام‌های "جنگ سوم خلیج"، "اشغال عراق" یا "جنگ عراق" معروف است. (نظری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۸). در ۱۵ دسامبر سال ۲۰۰۳، صدام حسین، رییس مخلوع عراق، در زادگاهش (تکربیت) دستگیر شد و بعد از محاکمه، در ۵ نوامبر ۲۰۰۶ حکم قطعی اعدام وی صادر شد (خبرگزاری صدای افغان "آوا"، ۱۳۸۷). صدام حدوداً در ساعت ۶ بامداد به وقت محلی در تاریخ ۳۰ دسامبر ۲۰۰۶ (۹ دی ۱۳۸۵) در صبح روز عید قربان به دار آویخته شد. مراسم اعدام در اردوگاه عدالت در شهر کاظمین در شمال عراق برگزار شد. (ویکی پدیا، الغزو الامریکی للعراق، ۲۰۱۰).

عراق به مدت ۹ سال تحت اشغال آمریکا بود و سرانجام نیروهای اشغالگر، سال ۲۰۱۲ خاک این کشور را ترک کردند.

### ۳. کارکرد سیاسی تناص قرآنی در شعر معاصر عراق

همانطور که گفته شد، عراق در دوره‌ی معاصر، شاهد تحولات سیاسی بنیادی بوده است که ذهن شاعران این کشور را به خود معطوف داشته است. این شاعران سعی نموده‌اند تا دیدگاه‌های خود را پیرامون این اوضاع با الهام گیری از آیات قرآن، بیان نمایند و از این طریق کارکردهای سیاسی مختلفی به آیات ببخشند که به تبیین و تحلیل این کارکردها خواهیم پرداخت.

## ۳-۱. سرزنش و تحقیر حاکمان عراقی

بیشتر حاکمان عراقی در دوره‌ی معاصر، با توسل به زور و کودتا به قدرت رسیده‌اند و تقریباً همه‌ی آن‌ها نیز با ترور و کودتا از مسند قدرت، خلع شده‌اند. این حاکمان نالایق هیچ دستاوردی جز استبداد، فقر، تحریم‌های طولانی و شدید، جنگ‌های ویرانگر و تبعید، نداشته‌اند، لذا شاعران معاصر سعی نموده‌اند تا با الهام از آیات قرآن به سرزنش و تحقیر این حاکمان بپردازند.

احمد مطر (۱۹۵۰) بیش از هر شاعر دیگری به سرزنش حاکمان پرداخته است و گاهی زبانش تند و نیش دار است. وی بیش از هر شاعر دیگری با حکومت بعث مخالف است و آنان را مسبب دو جنگ ویرانگر در منطقه می‌داند وی در قصیده‌ی (بلاد ما بین النهرین) به دو جنگ ایران و کویت اشاره کرده است: «وَقِيلَ لَهُمْ: كَمْ لَبِئْتُمْ؟ / فَقَالُوا: مِمَّا تِ الْقُرُونُ / أَنْبَعْتُ؟ / قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ الْعِلْمُ / بَلْ قَدْ لَبِئْنَا سِنِينَا / وَمَا زَالَ أَوْلَادُ أُمَّ الْكَذَا يَحْكُمُونَ / وَمَادَامَ «بَعَثُ» ... فَلَا تُبْعَثُونَ» (مطر، ۲۰۱۱: ۱۷۹). ترجمه: «و به آنان گفته شد: چقدر توقف نمودید؟ / گفتند: صدها قرن / آیا برانگیخته می‌شویم؟ / شخصی که (به این امر) واقف بود، گفت: / نه سالیانی را (اینجا) مانده‌ایم / و همواره فرزندان مادرِ فلانی، حکومت می‌کنند / و تا زمانی که «بعث» حاکم است... برانگیخته نمی‌شوید».

شاعر در جهت ابراز نارضایتی خود از حکومت طولانی بعث در عراق، از آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی کف الهام گرفته است که می‌فرماید: ﴿قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِئْتُمْ ۗ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ﴾.

وی حاکمان را حاکمانی مستبد می‌داند که جز قدرت و کسب مال، چیزی نمی‌بینند و از شعر و قرآن در هراس هستند زیرا که شعر کارش افشاگری است و قرآن دعوت به جهاد: «قَرَأْتُ فِي الْقُرْآنِ / تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ» / فَأَعْلَنْتُ وَسَائِلَ الْإِدْعَانِ / «إِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ» / أَحَبُّتُ فَقْرِي وَ لَمْ أَزَلْ أَتْلُوا: / «وَتَبَّ» / «مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ» / فَصَوَّدَرْتُ حَنْجَرَتِي بِجُرْمِ قِلَّةِ الْأَدَبِ / وَ صَوَّدَرْتُ الْقُرْآنَ / لِأَنَّهُ .. حَرَّضَنِي عَلَى الشَّعْبِ!» (همان: ۱۳). ترجمه: «در قرآن خواندم / دو دست ابو لهب بریده باد / رادیو اعلام کرد: سکوت طلاست / فقرم را دوست دارم. و همواره می‌خوانم: / مرگ بر او باد / مال او و آنچه

به دست آورد او را سودی نبخشید/ به جرم بی ادبی، حنجره‌ام را بستند/ و قرآن را مصادره کردند/ زیرا مرا به شورش تشویق نمود».

تناص در این نمونه کاملاً مشهود است؛ احمد مطر از آیات اول و دوم سوره‌ی مسد الهام گرفته است: ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ / مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ﴾ «بریده باد هر دو دست ابولهب و (مرگ بر او باد) / هرگز مال و ثروتش و هر آنچه را به دست آورد به حالش سودی نبخشید» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۲۷: ۴۴۶) شاعر این آیات را در راستای تحقیر حاکمان که شاید منظورش صدام حسین باشد، به کار برده است. وی برای تصویرسازی حاکم عراق که در نظر وی کافر است، او را به ابولهب تشبیه نموده است و به این آیات کارکردی سیاسی بخشیده است. این حاکم نیز همچون ابولهب، هر آنچه را از مال و دارایی کسب کند برایش سودی نخواهد بخشید و بزودی وارد آتشی می‌شود که دارای شعله‌هایی برافروخته است. و این پیشگویی قرآن در مورد ابولهب است که سرانجام بدون ایمان از دنیا رفت. اما پیشگویی احمد مطر نیز در مورد ابولهب دنیای معاصر، به درستی تفسیر شد و تمام ثروت و قدرتش در مقابل حمله‌ی آمریکا برایش سودی نبخشید و سرانجام به دار آویخته شد.

وی در جای دیگری ضمن حفظ قداست قرآن آیه‌ی ۱۸ از سوره‌ی حدید ﴿الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفَ لَهُمْ وَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ را با اسلوب طنز به کار برده است: «إِيَّهَا الْحُكَّامُ بِاللَّهِ عَلَيْكُمْ / أَقْرَضُوا اللَّهَ لَوَجْهِهِ / قَرْضًا حَسَنًا / وَأَنْقَرَضُوا!» (مطر، ۲۰۱۱: ۱۲۳) ترجمه: «ای حاکمان شما را به خدا سوگند/ به خاطر خدا به او قرض دهید/ قرضی نیکو/ و منقرض شوید».

آیه‌ی مذکور به قرضی از جنس قرض الحسنه که پاداشش در نزد خدا دو برابر است سفارش کرده است. احمد مطر مصداق این قرض را برای حکام، انقراض آن‌ها می‌داند.

گاهی زبان انتقاد احمد مطر بسیار تند و گزنده می‌شود و تحقیر رهبران جامعه‌ی خود را به اوج می‌رساند اما در این اثنا از حضور نص قرآن در شعر خود باکی به دل راه نمی‌دهد: «فِي أَيِّ آلَاءِ الْوَلَاةِ تَكْذِبَانِ / وَ لَهُ الْجَوَارِي النَّائِرَاتُ بِكُلِّ حَانَ / وَ لَهُ الْقِيَانُ / وَ لَهُ



الإِذَاعَةُ / دَجَّنَ الْمَذِياعَ لَقْنَهُ الْبَيَانُ: / الْحَقُّ يَرْجِعُ بِالرَّبَابَةِ وَ الْكَمَانِ / فَبَيَّ آلاءَ الْوَلَاةِ تُكْذِّبَانِ / ... / مَن مَاتَ مَاتَ / وَ مَن نَجَا / سَيَمُوتُ فِي الْبَلَدِ الْجَدِيدِ / مِّنَ الْمَوْتِ / فَبَيَّ آلاءَ الْوَلَاةِ تُكْذِّبَانِ / فِي الْفَحِّ تَلَهَّتْ فَأَرْتَانِ / تَطَّلَعَانِ إِلَى الْخِلَاصِ / عَلَى يَدِ الْقَطِطِ السَّحَابِ / فَبَيَّ آلاءَ الْوَلَاةِ تُكْذِّبَانِ» (مطر، 2011: 48). ترجمه: «پس کدام یک از نعمت‌های والیان را تکذیب می‌کنید / برایشان کنیزکانی است شورشگر در هر زمان / و نیز دخترانی آواز خوان / رادیو از آن اوست / رادیو را اهلی (رام) کرده است و این بیان را به آموخته است که: / حقیقت به رباب (نوعی ساز) و کمانچه بازمی‌گردد / پس کدام یک از نعمت‌های والیان را تکذیب می‌کنید / هر کس مرد، مرد / و هر کس نجات یافت، در کشور جدید / از خواری می‌میرد / پس کدام یک از نعمت‌های والیان را تکذیب می‌کنید / دو موش در تله له له می‌زنند / و به رهایی امید دارند / و چشم به (یاری) گربه‌های فریه دوخته‌اند / پس کدام یک از نعمت‌های والیان را تکذیب می‌کنید».

عبارت «له الجوارى الثائرات بكلّ حان» الهامی است از آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی الرحمن ﴿وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ﴾ و «دجن المذیاع لقنه البیان» تناسی است از ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ (3) عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (4)﴾ (الرحمن: ۳-۴) شاعر آیه‌ی ﴿فَبَيَّ آلاءَ رَبِّكُمَا تُكْذِّبَانِ﴾ را که ۳۱ بار در سوره‌ی الرحمن تکرار شده است، با اندکی تصرف در متن خود حاضر نموده تا مصائب و بلاهای وطنش را که از حاکم آن سرچشمه می‌گیرد، بیان نماید. علاوه بر آن، اسلوب شاعر در این عبارات، اسلوبی قرآنی است و همانطور که این آیه در سوره‌ی مذکور تکرار شده است، شاعر نیز عبارت (فَبَيَّ آلاءَ الْوَلَاةِ تُكْذِّبَانِ) را تکرار نموده است. گربه‌های چاق (القَطِطِ السَّحَابِ) نماد حاکمان عیاش و تن پرور هستند.

یحیی عباس عبود سماوی از دیگر شعرای معاصر عراق است که در سال ۱۹۴۹ م. در (سماوه) عراق دنیا آمد و در پی ظلم و ستم صدام حسین عراق را به سوی استرالیا ترک کرد و هم اکنون در استرالیا به سر می‌برد. (عزیزی، ۱۳۸۹: ۲۲۰) این شاعر نیز به شدت حاکمان عراق و کشورهای عربی را مورد تحقیر قرار می‌دهد (نظری و عزیزی، ۱۳۸۸: ۵). یحیی سماوی معتقد است که بعد از حمله‌ی آمریکا و سقوط رژیم بعث، عده‌ای به جای جنگ زدن به ریسمان الهی به ریسمان بیگانگان اشغالگر جنگ زده‌اند: «نحن

الصعاليك / سيماؤنا في وجوهنا / من أثر تحديقنا بالأفق / أما الأباطرة/ فسيأوهم في " مؤخراتهم " / من أثر التشبث بالكراسي / مُتَسَبِّين في إصابة الوطن بالبواسير .. / هم يُلوَّثون الجدران بتصاويرهم / ونحنُ / نُطرِّزُ فضاء الوطن / بالفراشات .. / مُعْتَصِمُونَ بحبل الأجنبي .. / مُتَعَاوِنُونَ على " المنِّ والسُلوى " « (سماوی، ۲۰۰۹: ۱۱۳) ترجمه: «ما صعالیکی هستیم / که سیمایمان در چهره هایمان است / بر اثر خیره شدن بسیار در افق / اما عیاشان / سیمایمان در پشتشان است / بر اثر نشستن در صندلی / کسانی که مسبان ابتلای وطن به بواسیر هستند / و دیوارها را با تصاویرشان کثیف می کنند / و ما / فضای وطن را آذین می بندیم / با پروانه ها / (آنان) به ریسمان بیگانگان چنگ زده اند / و از آن ها، شیره درختان و عسل می جویند».

وی با الهام از آیهی ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳) بیم آن داشته است که سیاستمداران عراقی در این اوضاع آشفته‌ی اشغال کشورشان، به جای چنگ زدن به ریسمان الهی، به ریسمان پوسیده‌ی اشغالگران برای دست یابی به کرسی ریاست، متوسل شوند. و در ادامه، این نگرانی خود را با الهام از آیات ۵۷ سوره‌ی بقره و ۱۶۰ سوره‌ی اعراف و ۸۰ سوره‌ی طه، بیان می‌کند؛ آیات مذکور از شیرهی درختی به نام (المن) و مرغانی شبیه کبوتر به نام (السُلوی) به عنوان نعمت‌های خداوند یاد کرده‌اند. سماوی با اسلوبی بسیار زیبا و هنری آن دسته از سیاستمداران را مورد سرزنش قرار داده است که از این اشغالگران آمریکایی، امید "من و سلوی" دارند. مظفر نواب نیز همچون یحیی سماوی به سرزنش حاکمانی می‌پردازد که بجای مقاومت و اتکا به خویشان، به آمریکا متوسل شده‌اند: «یا سیدی حسن / یا سیدی .. فی جُبَّتِكَ الخوف أمان / يتلفع نصر الله» إذا جاء / بآیات القرآن / هذا الفتح الـ... من عند الله و من «مارون الرأس» / لا من عند «الأمريكان» / فسبح بحمد ربك / واستغفره / لن تبقي «حيفا» هادئة بعد الآن» (آباد و محسنی، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۶) ترجمه: «ای سرورم حسن / ترس در زیر ردای تو، امنیت می‌یابد / نصر الله» فراگیر می‌شود آن گاه که / با آیات قرآن بیاید / این فتح ... از سوی خداست و (مارون الرأس) / نه از سوی آمریکا! / پس پروردگارت را سپاس گوی / و از او طلب غفران کن / دیگر «حيفا» هرگز آرام باقی نخواهد ماند / از هم اکنون به بعد».

شاعر، مقاومت سید حسن نصر الله را الگویی والا برای حکام عرب معرفی می‌کند که تا زمان وجود وی، شهر صهیونیست نشین حیفا، هرگز احساس آرامش و امنیت نخواهد کرد. مظفر نواب در شعر خود از آیه‌ی اول سوره‌ی نصر ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾ الهام می‌گیرد و (نصر الله) را به شیوه‌ی توریه در شعرش به کار برده است تا هم به سید حسن نصرالله (دبیر کل حزب الله) اشاره کند و هم به نصر و پیروزی خدا. این امر که این پیروزی از جانب خداوند و مارون الرأس (نام کوهی مرتفع در دو کیلومتری مرز لبنان و فلسطین) محقق شده است به دو نکته اشاره می‌کند: اول اینکه در راه مقاومت باید از نصر خداوند غافل نشد و دوم اینکه مارون الرأس که در اینجا نماد مقاومت حزب الله است با مجاهدت‌های خود این پیروزی را به دست آورده است و این طعنه‌ای است به حکام عرب که حلقه به گوشان آمریکا هستند. مظفر نواب در ادامه، آیه‌ی پایانی سوره‌ی نصر را ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ﴾ به کار برده است تا مردم به شکرانه‌ی این پیروزی، شکر خدا را بجا آورند.

### ۲-۳. مبارزه با استعمارگران انگلیسی

ادبیات مقاومت عراق با توجه به مطالعات انجام گرفته به دو دوره‌ی عثمانی (قرن ۱۹) و حاکمیت حزب بعث (قرن ۲۰) تقسیم می‌گردد. (روشنفکر و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶۱) اما باید دوره‌ی دیگری نیز به آن اضافه کرد و آن دوره‌ی اشغال عراق از سوی آمریکا در قرن حاضر (قرن ۲۱) است.

شاعرانی همچون جمیل صدقی زهاوی و معروف الرصافی در اعتراض به سلطه‌ی عثمانی و مستعمرین فرانسوی و انگلیسی و ایتالیایی، اسلوب جدیدی از شعر را به نام شعر مقاومت پدید آوردند که می‌توان نام عبدالوهاب بیاتی را نیز به آن‌ها اضافه کرد. این نوع از ادبیات در هنگام حضور نظامی آمریکا در عراق از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ توسط یحیی سماوی به اوج خود رسیده است. این شاعران در جهت مبارزه با استعمارگران انگلیسی در قرن بیستم و اشغالگران آمریکایی در قرن حاضر، از آیات قرآن در شعر خود الهام گرفته‌اند.

بعد از آن که عراق در سال ۱۹۲۰م از سوی انگلیس اشغال شد، بلافاصله ملک فیصل را به عنوان پادشاه انتخاب کردند و پارلمان و قانون اساسی تعیین نمودند که معروف

۵۴۳ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۶، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳-قم

رصافی به شدت با آن مخالفت می‌کند در حالی که شاعری همچون محمد مهدی جواهری ملک فیصل اول و دوم را مدح نموده است (زرگوش نسب و انصاری پور، ۱۳۸۹: ۱۵۵-۱۱۶). معروف رصافی در قصیده‌ی (غادة الانتداب) استعمارگران و حکومت دست نشانده-ی آنان را همچون دختری زیبا می‌بیند که ظاهرش بسیار زیبا و فریبنده است که مردم را به اشتباه می‌اندازد اما در باطنش چیزی جز عذاب نیست:

قَلْتُ لَهُ تَلَكْ لَأَوْطَانِنَا حُكُومَةٌ جَاءَ بِهَا الْإِنْتِدَابُ

نَحْسِبُهَا حَسَنَاءً فِي زِيَّهَا وَ مَا سَوَى (جون بول) تَحْتِ الثِّيَابِ

ظَاهِرَهَا لَنَا فِيهِ رَحْمَةٌ وَ الْوَيْلُ فِي بَاطِنِهَا وَ الْعَذَابِ

(اعظمی، ۱۳۹۷: ۵۶)

ترجمه‌ی ابیات: «به او گفتم که آن برای وطن ما، حکومتی است که استعمارگران آورده‌اند/ او را در لباسش زیبا می‌بنداریم حال آنکه زیر لباس وی کسی جز (ژان پل) نیست / ظاهرش برای ما رحمت است و باطنش رنج و عذاب است».

معروف رصافی این حکومت دست نشانده را نمی‌پذیرد و برای بیداری و جهاد، مردم را فرا می‌خواند. در بیت سوم تناصی از آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی حدید وجود دارد که می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ﴾ «روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند «نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی بگیریم»! به آنها گفته می‌شود «به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید»! در این هنگام دیواری میان آنها زده می‌شود که دری دارد درونش رحمت است و بیرونش عذاب». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۲۳: ۳۴۰-۳۴۱) آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌گوید «درون آن رحمت و بیرونش عذاب، یعنی مؤمنان همچون ساکنان شهر، در درون این باغ هستند و منافقان همچون بیگانگان در قسمت بیابانی قرار دارند»

۵۴۴ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۶، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳-ق م

(همان: ۳۴۵) اما معروف رصافی برای نشان دادن ماهیت درونی استعمارگران و حکومت دست نشاندهی آنان، این آیه را به شکل عکس، مورد استفاده قرار داده است به این معنا که ظاهر استعمار زیبا و باطنش رنج و عذاب است. زان پل، به احتمال زیاد از فرماندهان ارشد نیروهای استعمار انگلستان در عراق بوده است.

معروف رصافی از معروفترین شاعران عراقی در دوره‌ی استعمار انگلیس بوده است که مردم را به جهاد و جانفشانی در راه وطن فرا می‌خواند و معتقد است که اگر برای شهادت مقامی رفیع در بهشت بدانیم، خاک وطن را با خون خود گلگون خواهیم نمود:

إِذْ نَقِیْمُ الْمَوْتِ مِعْرَاجًا      إِلَىٰ أَعْلَىٰ الْجَنَانِ

سَوْفَ نَكْسُو الْحَرْبَ ثَوْبًا      لَوْنُهُ أَحْمَرُ قَانِ

فَتَكُونُ الْأَرْضُ مِنْهَا      وَرْدَةً مِثْلَ الدَّهَانِ

(اعظمی، ۱۳۹۷: ۵۷)

ترجمه‌ی ابیات: «آنگاه که برای مرگ در بالاترین نقطه‌ی بهشت، جایگاهی بسازیم/ بزودی بر جنگ لباسی خواهیم پوشاند که رنگش بسیار سرخ است/ و زمین از رنگ آن، (یکپارچه) گلگون خواهد شد همچون روغن مذاب».

رصافی در بیت پایانی، عبارت (ورْدَةٌ مِثْلُ الدَّهَانِ) را از آیه‌ی ۳۷ سوره‌ی الرحمن گرفته است که می‌فرماید: ﴿فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ﴾ «در آن هنگام که آسمان شکافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۲۳: ۱۶۴). (دهان) بر وزن کتاب به معنی روغن مذاب و گاه به معنای دُرْدی است که در روغن ته نشین می‌کند. (همان: ۱۶۶)

عبدالوهاب بیاتی (۱۹۲۶-۱۹۹۹م) از دیگر شاعران مبارز عراقی است که استبداد و استعمار، او را در کشورهای مختلفی آواره نموده است اما با این وجود گاهی ابری از ناامیدی چنان بر شعر او سایه می‌افکند که وقوع انقلاب را امری ناممکن تلقی می‌کند و

راهی جز استمداد از قدرت الهی جهت وقوع معجزه، نمی‌بیند: «*مِنَ أَسْفَلِ السُّلَّمِ نَادَيْتُكَ يَا رَبَّاهُ / جَلْدِي يَسَاقُطُ فِي الظَّلَامِ / شَعْرِي شَابَ / ... اللیل طَالَ، طَالَتِ الحَیَاةُ / فَأَینَ یا رَبَّاهُ! / شَمْسُکَ! نُحِی الحَجَرَ الرَّمِیمِ / وَ تُشْعِلُ المَهِیْمِ*» (بیاتی، ۱۹۹۰: ۸۸) ترجمه: «آه ای پروردگارا! تو را از فرودست پلکان فرامی‌خوانم / پوستم در تاریکی فرو می‌افتد / مویم جوان گشت / شب به درازا کشید و زندگی طولانی شد / پس پروردگارا / خورشیدت کجاست! تا سنگ پوسیده را زنده گرداند / و خار و خاشاک را شعله ور سازد» **تناص**

(الحجر الرمیم) نماد انقلاب شکست خورده‌ای است که شاعر در شب ظلمت استعمار و استبداد، در پی احیای آن است. شاعر این عبارت را از آیه‌ی ۷۸ سوره‌ی یس گرفته است که می‌فرماید: ﴿*وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَبِيًّا خَلَقَهُ ۗ قَالَ مَنْ يُحْيِي العِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ*﴾. شاعر با عبارت «جلدی یساقط فی الظلام» به عمر دراز خود اشاره نموده است زیرا پوست انداختن کنایه‌ای است از عمری دوباره یافتن که بنظر می‌رسد شاعر آن را از حماسه‌ی گیلگمش گرفته است. حماسه‌ی گیلگامش یا حماسه‌ی گیلگمش، یکی از قدیمی‌ترین و نامدارترین آثار حماسی ادبیات دوران تمدن باستان است. این افسانه، که غالب قطعات آن در کاوش‌های کویونجیک، محل نینوای قدیم، به دست آمده است جزئی از کتابخانه‌ی بزرگ الواح گلی پادشاه آشور (آشور بانپال) را تشکیل می‌دهد. (منشی‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۳). در این حماسه، گیلگمش بعد از مرگ دوستش انکیدو، در پی راه جاودانگی بر می‌آید و سفری دور و دراز را آغاز می‌کند. وی با راهنمایی شخص کهنسالی که عمری جاودانه داشته است به قعر دریا سفر می‌کند و بوته‌ای از آنجا بر می‌گیرد که راز جاودانگی در آن است، گیلگمش در راه بازگشت در کنار برکه‌ای توقف می‌کند تا آب‌تنی کند در هنگام آب‌تنی می‌بیند که ماری از کنار برکه می‌گذرد و با خوردن آن بوته، پوستش می‌افتد و جوان می‌شود. این افسانه شامل ۱۲ لوح است که ابتدا جرج اسمیت انگلیسی، آن را از خط میخی ترجمه نمود و سپس "گئورگ بورکههارت" آن را به آلمانی درآورد و دکتر داوود منشی‌زاده آن را به فارسی برگردانده است.

جمیل صدقی زهاوی یا ذهابی (۱۸۶۳ - ۱۹۳۶م) از دیگر شاعران معارض نیروهای استعمارگر انگلیسی است که در ابتدای ورود انگلیسی‌ها آن‌ها را در قصیده‌ی به

۵۴۶ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۶، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳-ق م

نام (ولاء الإنجليز) مدح نموده است (بصیری و نورمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۸) اما دیری نمی‌پاید که دیدگاهش تغییر می‌کند ولی وی صراحتاً لفظ انگلیس را به کار نبرده است و از آن‌ها به (ظالمین) تعبیر نموده است. وی در انتقاد از استقبال مردم از استعمار انگلیس، لفظ (الظالمین) را یک بار برای استعمار انگلیس و یک بار به جای استبداد عبدالحمید به کار می‌برد و هشدار می‌دهد که خیانتکاران به زودی سزای کار خود را خواهند چشید:

لَا تَحْسَبَنَّ الظَّالِمِينَ بِنَجْوَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ نَقْمَةٍ بِالظَّالِمِينَ نَحِيقٌ

سَأَقُولُ يَوْمَ سُقُوطِهِمْ فِي وُجُوهِهِمْ هَذَا جَزَاءُ الْخَائِنِينَ فَذُوقُوا

(همان: ۱۹)

ترجمه‌ی ابیات: « میندارید که ظالمان از انتقام جان سالم به در می‌برند/ روز سقوطشان در صورت آن‌ها خواهم گفتم: این است سزای خائنان، پس بچشید (طعم تلخ شکست را)».

به نظر می‌رسد مصراع دوم از بیت دوم « هَذَا جَزَاءُ الْخَائِنِينَ » تعبیری قرآنی باشد، لفظ (جزاء) در قرآن هم به معنای پاداش نیک آمده است و هم به معنای عقوبت گناه و عذاب. شاعر در اینجا معنای دوم را در نظر داشته است که در سوره‌های مختلفی آمده است از جمله: ﴿فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أُمَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ﴾ (حشر: ۱۷)، ﴿...كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره: ۱۹۱) ﴿إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ۚ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ﴾ (مائده: ۲۹). علاوه بر آن فعل امر (ذوقوا) نیز با توجه به سیاق کلام، تناسی قرآنی است که در قرآن ۲۴ بار تکرار شده است که غالباً به شکل (ذوقوا العذاب) آمده است. شاعر در این ابیات به نیروهای انگلیسی و خائنان هشدار داده است که بزودی طعم تلخ شکست را خواهند چشید و این سزای ظالمان انگلیسی و خائنان به وطن است.

بنابراین شاعرانی همچون معروف رصافی، عبدالوهاب بیاتی و جمیل صدقی زهاوی سعی کرده‌اند تا با الهام از آیات قرآن کریم، روح مبارزه و جهاد را در راستای استقلال

عراق از دست استعمارگران، در جامعه بدمند. این کشور علاوه بر استعمار انگلیس در قرن بیستم، در مارس ۲۰۰۳ از سوی آمریکا اشغال شد و شاعران عراقی در قرن حاضر، با دردی مشابه با درد قرن گذشته مواجه شدند. در این دوره نیز شاعران دیدگاه‌های مختلفی داشته‌اند و گروهی حضور نظامی بیگانگان در خاک کشورشان را برنمی‌تابند و مردم را به جهاد و مبارزه با اشغالگران، فرا خوانده‌اند.

### ۳-۳. مبارزه با اشغالگران آمریکایی

همانطور که ذکر شد، شاعران در دوره‌ی استعمار عراق از سوی انگلستان (۱۹۲۰) تمام تلاش خود را به بیدار نمودن مردم و دعوت آنان به جهاد و مقاومت، معطوف داشته‌اند. در دوره‌ی اشغال این کشور از سوی آمریکا نیز شاعری همچون یحیی سماوی حضور بیگانگان در عراق را برنمی‌تابد و با زبانی صریح آمریکا را وحشیانی می‌داند که امنیت نسل‌های مختلف را برهم زده‌اند: «فأجیال الغد لابد أن تكون أحسن حالاً / مادام أن الغد / لن یشهد ولادة وحش جدید / اسمہ: / "جورج بوش الحفید" (سماوی، ۲۰۰۹: ۸۱) ترجمه: «آیندگان می-بایست که حالی بهتر داشته باشند / مادامی که فردا / هرگز ولادت وحشی‌ای جدید / که نامش / "جورج بوش نوه" است، را به خود نبیند».

یحیی سماوی، بهبود حال نسل آینده را مشروط به متولد نشدن فرزند بوش پسر، که وارث خوی پدر است و شاعر آن را بوش نوه نامیده است، می‌داند. این شاعر عراقی، در این راه، از آیات قرآن، بسیار بهره گرفته است و مردم را دعوت نموده تا با تمام قوا، برای رویارویی با اشغالگران آمریکایی آماده شوند: «أعدوا العدوكم - عدو الله - ما یرهبه / من قوة اللسان / وما استطعتم من خيول الخطب العصماء / والبيان / ذودوا عن التراب والمال / وعن عرض المحصنات بالأشعار / حتى یقر القاتل المحتل من بستاننا / وتستعاد الدار» (سماوی، ۲۰۰۶: ۱۰۳-۱۰۴) ترجمه: «ای مردم عراق، هر آنچه که دشمنانتان - دشمن خدا- را هراسان می‌سازد، مهیا سازید/ مهیا کنید/ نیروی زبان را / و (فراهم سازید) هر آنچه را که از اسبان توانمند و با ارزش می‌توانید/ و بیان را/ در مقام دفاع از این خاک و مال به پا خیزید/ و با شعرتان از آبروی زنان



پاکدامن (دفاع کنید) / (دفاع کنید) تا آن روز که اشغالگران قاتل از بستانمان (عراق) بگریزند / و این سرزمین باز پس گرفته شود»

در ابیات فوق، شاعر با اشاره به آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی انفال ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ (آماده سازید برای ایشان آنچه بتوانید از اسبان توانایی و از بستن اسبان که بترسانید به آن دشمن خدا و دشمنان را) (مصباح زاده، ۱۳۷۲: ۸۳۱)، زبان گویا، فریاد، شعار و خطبه‌های آتشین را در نبود مهمات جنگی، از مصادیق "ما استطعتم"، معرفی می‌کند. و به نوعی شعراء و خطباء را نیز در شرکت کردن در این مبارزه فرا می‌خواند که از زبان، شعر و ادبیات خود در راه مقاومت استفاده کنند و این رسالت مهم شاعران را به آن‌ها یادآور می‌شود که مبدا شعر خود را در خدمت امری غیر از مقاومت و جهاد در راه خدا و وطن، قرار دهند.

آمریکا ستیزی علاوه بر شعر یحیی سماوی، در شعر شاعران عراقی دیگری همچون احمد مطر و مظفر نواب موج می‌زند؛ مظفر نواب منشأ جنایات و ناامنی‌های موجود را آمریکا می‌داند و معتقد است که آمریکا نماد و سمبل ظلم است: «قسماً لا بالسموات / و لكن بالسموات التي تمطر / في عيني جنوبي يتيم في الحدث / أحرق بيته / و أنا أعلين ناري / أمريكا هي الكفر» (نواب، ۱۹۹۶: ۱۴۷) «سوگند! اما نه به آسمان‌ها / بلکه سوگند به آسمان‌هایی که می‌بارند / در چشمان آن کودک یتیم جنوبی که در حادثه‌ای / خانه‌اش به آتش کشیده شد / و من، آتش خویش را اعلام می‌دارم / آمریکا، همان کفر است».

سوگند خداوند در قرآن به چند منظور آمده است؛ گاهی برای بیان امری مهم و اندیشیدن مردم در این امور، و گاهی برداشتن پرده‌ی ابهام از امری که مردم در آن‌ها به تردید افتاده‌اند. در این‌جا هم مظفر نواب سوگند را وسیله‌ای برای بیان امری مهم و اندیشیدن مردم در این امور و برداشتن پرده‌ی ابهام از امری که حس می‌کند مردم درباره‌ی آن به تردید افتاده‌اند قرار داده است.

احمد مطر در قصیده‌ی (جواز) از زبان مبارزی با خدا به گفتگو می‌نشیند، مبارزی که سنت خدا بر روی زمین را رعایت ننموده، بارها عصیان نموده و هزار بار خیانت نموده و هزاران هزار بار در فتنه افتاده است اما باز به فضل و رحمت خداوند امیدوار است و این

امیدش بخاطر انزجارش از آمریکا و از کسی است که آمریکا را دوست دارد، با این وجود از خدا سوال می‌برد که آیا برای وی شفاعتی وجود دارد؟ که ندا می‌آید: به بهشت وارد شو: «قَالَ: إلهي.. إني لم أحفظ السنَّة/ ولم أقدم لغدي ما يدفع المحنة/ عصيت ألف مرّة/ و حنّ ألف مرّة/ و ألف ألف مرّة/ وقعت في الفتنه/ لكنني.../ و منك كل الفضل والمِنَّة/ كنت بريئاً دائماً/ من حبِّ أمريكا/ و من حبِّ الذي يُحبُّ أمريكا/ عليها وعلى آباءه اللعنة/ هل لي من شفاعَةٍ؟/ قيل: أدخِل الجنة». (مطر، ۲۰۱۱: ۱۹۶) ترجمه: «گفت: پروردگارا.. من سنت تو را حفظ نکردم/ و آنچه را که محنت را دفع می‌کند برای فردا نفرستادم/ هزار بار عصیان نمودم/ و هزار بار خیانت کردم/ و هزار هزار بار در فتنه افتادم/ اما من .../ و تو دارای فضل و منت هستی/ همیشه پاک بوده‌ام / از حب آمریکا/ و از حب کسی که آمریکا را دوست دارد/ بر او و بر اجدادش لعنت/ (خدایا) آیا برایم شفاعتی وجود دارد؟/ ندا آمد: به بهشت وارد شو».

شاعر، ثواب انزجار از آمریکا را به اندازه‌ای می‌داند که جواز ورود به بهشت است و به این خاطر، نام این قصیده را جواز گذاشته است. وی با الهام از آیه‌ی ۴۶ سوره‌ی حجر ﴿ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ﴾ و آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی ق ﴿ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ﴾ ورودش به بهشت را به خاطر مبارزه و لعنت فرستادن بر آمریکا، به تصویر کشیده است.

همچنان که گفته شد، شاعرانی همچون یحیی سماوی، احمد مطر و مظفر نواب به مبارزه با آمریکا برخاسته‌اند و در این راستا به آیات قرآن، کارکردی سیاسی بخشیده‌اند تا آنان را دشمن خدا و سمبل کفر معرفی کنند.

## نتیجه گیری

با پژوهش انجام شده در شعر شاعران عراقی در قرن حاضر و گذشته، می‌توان به این نتیجه دست یافت که شاعران عراقی به شکل گسترده‌ای از قرآن کریم در شعر خود الهام گرفته‌اند و به فراخور اوضاع سیاسی پیش آمده، به آیات کارکردهای سیاسی مختلفی بخشیده‌اند.

سرزنش و تحقیر سیاستمداران بی‌کفایت، از کلیدی‌ترین کارکرد سیاسی قرآن در این دو قرن بوده است. احمد مطر، استبداد رژیم بعث و خواب چندین ساله‌ی مردم را مورد انتقاد قرار داده است. گاهی زبانش تند و گزنده می‌شود و حکام عرب را به شکل حیواناتی بی‌خرد و تن‌پرور در شعرش نشان می‌دهد. یحیی سماوی نیز با نظر به تاکید قرآن بر اعتصام به حبل‌الهی، تمسک جستن سیاستمداران عراقی به آمریکایی‌ها را در دوره‌ی اشغال مورد نکوهش قرار می‌دهد.

مبارزه با استعمارگران انگلیسی یکی دیگر از کارکردهای سیاسی آیات در شعر معاصر عراق است. جمیل صدقی زهاوی، معروف رصافی و عبدالوهاب بیاتی از مهمترین شاعران مقاومت عراق در قرن بیستم به شمار می‌روند که آیات قرآن را در راستای بیداری مردم و مبارزه با استعمارگران به کار برده‌اند. و به آنان به هشدار داده‌اند که بزودی طعم شکست را خواهند چشید همانگونه که خداوند در قرآن کریم به ظالمان و کافران هشدار چشیدن عذاب آتش را داده است.

و در قرن حاضر، شاعرانی همچون یحیی سماوی، احمد مطر و مظفر نواب سعی در برملا نمودن چهره‌ی واقعی اشغالگران آمریکایی داشته‌اند و با الهام از آیات قرآن، برای مبارزه فضلی عظیم برشمرده‌اند که کلید ورود به بهشت است و با استمداد از آیات جهادی قرآن، مردم را به آمادگی و جهاد در برابر اشغالگران کافر که دشمنان عراق و دشمنان خداوند هستند، فرا خوانده‌اند.

## منابع و مآخذ

## الف) کتب و مقالات

۱. قرآن کریم، (۱۳۷۲)، ترجمه‌ی عباس مصباح زاده، تهران: انتشارات ایران.
۲. آباد، مرضیه و محسنی، بلاسم، (۱۳۹۰)، «التناص القرآنی فی شعر مظفر النواب»، فصلنامه-ی لسان مبین، سال سوم، شماره‌ی پنجم، صص ۱-۱۸.
۳. أعظمی، ولید، (۱۳۹۷ق)، «الرصافی و تأثره بالقرآن الکریم»، مجله الوعی الاسلامی، شماره ۱۵۳، صص ۴۸-۵۷.
۴. بصیری، محمد صادق، نورمحمدی، راضیه (۱۳۹۰)، «استعماریت‌ی در اشعار ملک الشعراء بهار و جمیل صدقی الزهاوی»، فصلنامه‌ی لسان مبین، سال سوم، شماره‌ی ششم، صص ۱-۲۹.
۵. بیاتی، عبد الوهاب، (۱۹۹۰)، «دیوان»، بیروت: دارالعودة، الطبعة الرابعة.
۶. پارسا دوست، منوچهر، (۱۳۸۵)، «ما و عراق از گذشته دور تا به امروز»، تهران: انتشار.
۷. روشنفکر، کبری، اسماعیلی، سجاد و زارع برمی، سجاد، (۱۳۹۰)، «درونمایه‌های مقاومت در شعر «جواد جمیل» با تاکید بر دفتر شعری (اشیاء حذفها الرقابة)»، نشریه‌ی ادبیات پایداری، سال دوم، شماره‌ی سوم، صص ۲۵۷-۲۷۶.
۸. زرگوش نسب، عبدالجبار و انصاری پور، رحیم، (۱۳۸۹)، «دراسة مقارنة للمواقف و الاتجاهات السياسية فی شعر الوائلی و الجواهری»، نشریه‌ی ادبیات پایداری، سال اول، شماره‌ی دوم، صص ۱۰۹-۱۴۴.
۹. سماوی، یحیی (۲۰۰۶)، «نقوش علی جذع نخلة»، دمشق: دار التكوين، الطبعة الاولى..
۱۰. ----- (۲۰۰۹)، «شاهدة قبر من رخام الكلمات»، دمشق: التكوين. الطبعة الأولى.
۱۱. عزیزى، نعمت، (۱۳۸۹)، «بازتاب اوضاع عراق از آغاز اشغال تاکنون (۲۰۰۳-۲۰۰۹) در شعر معاصر عراق»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه لرستان.
۱۲. علوی، سید احمد، (۱۳۹۳)، «عراق، راهنمای مصور سفر زیارتی»، قم: نشر معروف، چاپ ۲۹.
۱۳. کریمی، مصطفی، (۱۳۸۸)، «علل و زمینه‌های جنبش ۱۹۲۰ عراق علیه انگلستان»، نشریه-ی فروغ وحدت، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۷۱-۷۸.

۵۵۲ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۶، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳-قم

۱۴. مطر، احمد، (۲۰۱۱)، المجموعة الشعرية الكاملة»، بيروت: دار الحرية، الطبعة الأولى.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷)، «تفسیر نمونه»، جلد ۲۳ و ۲۷، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ بیست و ششم.
۱۶. منشی زاده، داوود، (۱۳۸۳)، «گیلگمش، کهنترین حماسه‌ی بشری»، تهران: نشر اختران. چاپ اول.
۱۷. نظری، علی و عزیز، نعمت، (۱۳۸۸ ش)، «بازتاب مقاومت در شهر یحیی السماوی»، مجموعه مقالات همایش ادبیات مقاومت لبنان، دانشگاه گیلان، رشت.
۱۸. نظری، علی و عزیز، نعمت، (۱۳۹۲)، «میراث فکری و ادبی و کارکردهای آن در شعر مقاومت عراق بعد از اشغال (۲۰۰۳-۲۰۱۰)»، فصلنامه‌ی لسان مبین، سال پنجم، شماره‌ی سیزدهم، صص ۱۱۱-۱۲۹.
۱۹. نظری، علی، میرزایی‌الحسینی، سید محمود و عزیز، نعمت، (۱۳۸۹)، «اشغالگری در شعر امروزین عراق (۲۰۰۳-۲۰۱۰ م)»، مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره‌ی ۱۶، صص ۱۳۷-۱۵۸.
۲۰. نواب، مظفر، (۱۹۹۶م)، «الاعمال الشعرية الكاملة»، لندن: دار قنبر، الطبعة الثانية.

#### ب) منابع الکترونیکی

۲۱. آوا: " خبرگزاری صدای افغان ". (۱۳۸۷). «روزشمار دوران هشت ساله جرج بوش». (آخرین بازنگری ۲۹ تیر ۱۳۹۳)

<http://www.avapress.com/vdcd.k0s2yt055a26y.txt>

۲۲. احدی، افسانه و شوری، محمود. (۱۳۸۶)، «تحولات عراق و چشم انداز امنیت منطقه‌ای»، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی، معاونت پژوهشهای سیاست خارجی. (آخرین بازنگری ۲۹ تیر ۱۳۹۳)

<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtid=08&depid=44&semid=57>

۲۳. ویکی پدیا. (۲۰۱۰). «الغزو الأمريكية للعراق». (آخرین بازنگری ۲۹ تیر ۱۳۹۳)

[http://ar.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%84%D8%BA%D8%B2%D9%88\\_%D8%A7%D9%84%D8%A3%D9%85%D8%B1%D9%8A%D9%83%D9%8A\\_%D9%84%D9%84%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82](http://ar.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%84%D8%BA%D8%B2%D9%88_%D8%A7%D9%84%D8%A3%D9%85%D8%B1%D9%8A%D9%83%D9%8A_%D9%84%D9%84%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82)

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL  
پروپوزال

پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین  
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



ISI  
Scopus

آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو